

تصریح اصول سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضروریست

بقیه در صفحه ۲

مصاحبه «مردم» بارفیک ایرج اسکندری

بقیه از شماره پیش

س- مقلطه‌ای که در مورد به اصطلاح اعطای امتیاز نفت شمال به اتحاد شوروی انجام میگیرد، در کجاست؟ سیاست حزب در این مورد چه بوده است؟

ج- بنظر من از بدو امر منطقی در مورد انجام شده است، یکی اینکه، مراجعه دولت شوروی را برای مذاکره در مورد امتیاز نفت شمال، عمدتاً در کاربرد مسئله میزبان و فارغ از اقدامات زیر برده انحصارهای نفتی آمریکا برای دستیابی به نفت و پانگام در نقاط شمالی ایران و هندسی دولت ساعد در این ماجرا مطرح می‌شود، تا آنرا بصورت یک نوع اعمال فشار از جانب دولت شوروی جلوه دهند و اقدامات دولت را در حاضر نشدن برای مذاکرات با هریت نمایندگی شوروی، بصورت یک عمل مین‌دوستانه و ملی آرایش دهند. دوم اینکه، اقدامات اعتراضی و نظارانی را که حزب توده ایران در آن هنگام علیه دولت ساعد سازمان داده است، بی‌فایده عملی دال بر وابستگی حزب توده ایران و نمود نمایندند. نامه‌ای که دکتر ممدق شخصاً بصورت شوروی در آنوقت نگاشته و اظهار نموده است که در مورد فروتنی نفت (نه امتیاز) موافقت دولت شوروی را، قبل

امام خمینی: از اتحاد شوروی کمال تشکورا دارم

آقای دکتر محمد مکرری سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی، روز دوم تیرماه، در دیداری با امام خمینی، پیام لئونید برژنف صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی را بحضورشان تقدیم کرد. امام در پاسخ، پیامی بدین شرح در اختیار سفیر ایران در شوروی قرار دادند:

بسمه تعالی ۲۸ رجب ۹۹ حضرت لئونید برژنف صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، از پیام محبت آمیز آن حضرت و ابراز محبتی که نسبت به جمهوری اسلامی ایران ابراز داشته‌اند، کمال تشکر را دارم. از خداوند تعالی سعادت و رستگاری ملل اتحاد جماهیر شوروی را مسئلت داشته و امیدوارم که جمهوری اسلامی ما، که بر اساس اتحاد کلمه و بر مبنای ابراز انقلاب اسلامی و محور رژیم طاغوتی بنا شده، در همبستگی و اتفاق ملل جهان و آسایش آبناء بشر نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید. و جناب آقای دکتر محمد مکرری حامل این پیام هستند. آرزو دارم ملت‌های جهان در راه صلح و آرامش، همچنان که خواست اسلام و ملت ما است، پیوسته کوشا باشند. روح‌الله الموسوی الخمینی

در صفحات بعد:

- حزب طبقه کارگر ایران و سفسطه نگران صفحه ۳ (ستون اول)
- سمپاشی علیه کمونیستها، بسود انقلاب ایران نیست صفحه ۶ (ستون چهارم)
- هوشنگ تیرابی: در چهره حزب توده ایران، چهره قهرمان خلق‌های خود را شناختیم صفحه ۶ (ستون اول)
- ۲ بر خورود متضاد - تفسیری از پروا ۱ صفحه ۴ (ستون اول)
- پندارستم - شعری از پروین آذر مهر صفحه ۶ (ستون اول)

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۳۲
چهارشنبه ۶ تیر ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

آیاداد گاههای فوق العاده

فقط برای سرکوب
ضد انقلاب تشکیل میشود؟

روزهای یکشنبه و دوشنبه، جرایم معنی را بصورت لایحه مصوبه شورای انقلاب انتشار دادند که عنوان مقابله با جرایم ضد انقلاب را بر خود دارد. ولی حتی یک نگاه سریع به مواد آن نشان میدهد که، اگر چه صحبت بر سر تشکیل دادگاههای فوق العاده، مرکب از قضات و حقوقدانان، با انتخاب وزیر دادگستری، و با هدف دفاع از دستاوردهای انقلاب است، ولی در عمل امکانات نامحدودی را برای هر گونه اقدام تضحیتی و خودسرانه فراهم می‌آورد و هیچگونه تضمین محکم قانونی نیز برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی از مواد این لایحه در نظر نمی‌گیرد.

ارزیابی دقیق و عمیق این لایحه نیاز به بررسی مفصل‌تر دارد، که مسلماً انجام خواهیم داد، زیرا در واقع نیز اولاً باید ضد انقلاب را، در هر لباس که باشد، سرکوب کرد و از دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک دفاع نمود، و ثانیاً باید جلوی هر گونه تشبیه را در جهت زدن برجسب ضد انقلابی به نیروهای مؤمن به اصول انقلاب گرفت و نگذاشت مواد و تبصره‌های این لایحه جدید، دستاویز قانون شکنی‌ها و سرکوب مردم و خندشوار ساختن حقوق و آزادیهای دموکراتیک آنان گردد. این بررسی ضرورت دارد به این دلیل نیز که باید دید، تا چه اندازه چنین لوایحی با قانون اساسی آینده ایران و با حقوقی که در آن برای مردم و سازمانهای سیاسی و مدنی آنها برسمیت شناخته میشود، تمارش دارد یا نه، و در عمل ناقص آن است یا نه، در این لایحه که قبلاً هیئت وزیران آنرا تصویب کرده و سپس در اختیار شورای انقلاب قرار داده شده، موادی هست که در همان نگاه اول، نه فقط سؤال و تمجب، بلکه تکرانی و مخالفت را برمی‌انگیزاند.

مثلاً نگاه کنید به بند الف از ماده ۴، که کلیه جرایم پیش بینی شده محبت اول و دوم، باب دوم و اصل دوازدهم از باب سوم قانون مجازات عمومی تا پایان ماده ۲۶۱ همان قانون را مشمول صلاحیت دادگاههای فوق العاده قرار داده است. آیا اعضای شورای انقلاب این مباحث و ابواب را دیده‌اند؟ چرا در خود متن لایحه جدید این جرایم ذکر نشده و به قانون مجازات عمومی مراجعه داده شده است؟ در حالیکه جرایم مربوط به مسائلی نظیر کشت خشنای بهره‌برداری از جنگلها و اختلاس و رشوه گیری به تصریح و با توضیح در این قانون ذیل مواد و تبصره‌ها آمده است، چرا بند الف ماده ۴، مشمول جرایم را بصراحت نمیکویسد و مباحث قانونی مجازات عمومی را یک جا در صلاحیت این دادگاههای فوق العاده میکذارد؟ آیا علت این ابهام این نیست که در اینجا صحبت بر سر نوعی احیای قوانین پوسیده و منسوخ است که خون سسوخ صدها هزار شهید، از ۵۰ سال پیش تاکنون، قلم بطلان بر آنها کشیده است؟

در محبت اول و دوم، صحبت از ضدیت با سلطنت مشروطه (۱) و مرام اشترایی است. لذا سؤال ما بی‌جاست که آیا بقیه در صفحه ۵

حمله به دفتر «مردم» در رشت

روزشنبه شب عناصر مشکوکی به بهانه اینکه دفتر «مردم» آتش گرفته، وارد دفتر «مردم» در رشت شده و کتب و یوسترهای موجود را پاره کرده و رفته‌اند.

روزشنبه شب با هم عناصر مشکوکی به دفتر «مردم» آمده و قصد تخریب داشته‌اند. این بار مسئولین دفتر «مردم» در رشت با مذاکره با این افراد، مانع تخریب شده‌اند، ولی از طرف عناصر مخرب گفته شده است که نباید تا بلوی «مردم» بالا برود. در بین این عسده، افراد مافوقست شناخته شده اند که دیگران را به رخ بانگری تحریک کرده‌اند. چنین اعمال تحریک آمیز، غیرقانونی و ضد دموکراتیک است. مورد اعتراض شدید ماست. تمییزات از طرف مقامات مسئول فوراً جلوگیری و محرکان شناخته و مجازات شوند.

بقیه در صفحه ۲

به یاد رفیق شهید هوشنگ تیرابی

روز پنجشنبه هفتم تیرماه ۱۳۵۸، ساعت ۵/۵ بعد از ظهر در زمین چمن دانشگاه صنعتی مراسم بمناسبت ششمین سالروز شهادت شهید تیرابی، هوشنگ تیرابی برگزار خواهد شد. از همه اعضا، هواداران و دوستان حزب و از همه عناصر میهن پرست، آزادخواه و مترقی دعوت میشود که در این مراسم شرکت کنند.



دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

حمله به اجتماعات و میتینگها بدعت خطرناکی است

ما از آزادی فعالیت این نیروها، صرف نظر از مشی سیاسی آنها و باطنی لفتی که با حزب توده ایران داشته یا دارند، بطور بیکیفر دفاع کرده و می‌کنیم. حزب توده ایران بر اساس این سیاست اصولی و بیکیفر خود، در سالیان سلطه «رژیم شاهنشاهی» از همه مبارزان و تمام قری بانان رژیم، صرف نظر از عقاید سیاسی و مسلکی آنها و همچنین صرف نظر از مناسبات آنها با حزب توده ایران قاطعانه دفاع کرده است. در دوران پس از انقلاب هم، حزب توده بقیه در صفحه ۵

ما آتش زدن کتابفروشیها، حمله به اجتماعات، توقیف بدون دلیل افراد، اخلال در میتینگها و هر نوع حمله به آزادیهای دموکراتیک را محکوم می‌کنیم.

حمله گروهی ناشناس و مشکوک به میتینگ، و حمله دموکراتیک ملی ایران در روز جمعه گذشته، بار دیگر ضرورت حیاتی حفظ آزادیهای دموکراتیک را که از مهمترین دستاوردهای مرحله اول انقلاب ایران است، مطرح کرد. حزب توده ایران که از مشی دموکراتیک انقلابی، یعنی استقرار دموکراسی واقعی در جامعه ایران قاطعانه پشتیبانی میکند، دفاع از آزادیهای دموکراتیک (آزادی اجتماعات، بیان، قلم، احزاب و...) را نیز همواره جزو وظایف مسلم خود دانسته و میداند. ما خواهان آزادیهای دموکراتیک برای همه نیروهای ملی، مترقی و دموکراتیک هستیم.

قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

تصريح اصول سياست خارجي در قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران ضروريست

ازجمله پيشنهادهاي كه حزب توده ايران در تكميل پيش‌نويس قانون اساسي مطرح ساخته است، پيشنهاد تصريح اصول سياست خارجي كشور در قانون اساسي است. تصريح اين اصول به دو دليل ضروري است:

اول دليل اينكه، انقلاب ايران بر ضد نظام وابسته و رژيمي دست نشانده، براي تأمين استقلال كشور انجام گرفته و يروز گردیده و بنا براین اصولی که در عرصه سياست خارجي می‌بایستی از این استقلال، بعنوان دستاورد انقلاب، پاسداری کند و آرا تحکیم بخشد، می‌بایستی در قانون اساسی قید شود.

دوم دلیل اینکه، دولت جمهوری اسلامی ایران در عرصه سياست خارجي با انواع رژیمها و دولتها با جهت‌گیریهای مختلف، چه در سطح مناسبات دوجانبه و چند سطح مسائل بین‌المللی، سروکار خواهد داشت و بنابراین می‌بایستی در این عرصه به فریغ از فعالیت خود، متکی به مبانی و اصولی باشد تا در پیج و ختم مناسبات سیاسی و دیپلماتیک، هواره بتواند بسوی هدف، که تامین و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور است، حرکت کند.

اگر مبانی و اصول سياست خارجي در قانون اساسي تصريح نگردد، عملاً زمینه برای این خطر وجود خواهد داشت که دولتها و مسئولان سياست خارجي کشور، چه آنگاه که چه ناخودآگاه، اصول و شیوه‌هاي را در سياست خارجي و مناسبات دیپلماتیک بکار برند که با تامین و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور، که هدف انقلاب است، سازگار نباشد.

استقلال سیاسی و اقتصادی ایران از دست نماند. بنام امپریالیسم جهانی، (مدتها بسردمداری بریتانیا و در حال حاضر، یعنی پس از جنگ دوم جهانی، بسردمداری ایالات متحده امریکا). انقلاب ضد امپریالیسم، ولی اگر کسی تصور کند که سختی در ایران وارد آورده، ولی اگر کسی تصور کند که امپریالیسم برای باز پس گرفتن مواضع از دست خود در کشورها، به تلاش همه‌جانبه پرداخته و نخواهد پرداخت، یعنی اگر کسی گمان کند که امپریالیسم تسلیم شده و یا سرشت سلطه طلب، تجاوزگر و غارتگر آن تغییر کرده (مثلاً امریکا دیگر به مناسباتی برپایه عدم مداخله در امور داخلی ایران تمایل نراند، در دلد،) خطای ناپذیردنی و خطرناک مرتکب شده است.

امپریالیسم دشمن، و یگانه دشمن استقلال کشور ما (و همه دولت‌های خودبختی بیرون آورد خود بصورت سازمان واحد کلیه مردم آزادخواه و ترقیخواه آذربایجان در آمد. بدیهی است که قوام مردم آذربایجان نمیتوانست در برابر جنبش انقلابی مردم ایران جسور شود. وجود دولت و تساهل منیت نکند. همین سبب نه تنها حزب توده ایران، بلکه سازمانهای دیگر دموکراتیک آن زمان، این جنبش و حقانیت آنرا مورد پشتیبانی و تأیید قرار دادند.

حزب توده ایران پیشنهاد میکند که اصول سياست خارجي در قانون اساسي جمهوری اسلامی ایران شرح زیرین تصریح گردد:

«سياست خارجي جمهوری اسلامی ایران بر پایه عدم تشدد، عدم شرکت در بلوک بندیهای نظامی، بر اساس حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، عدم تجاوز به خاک کشورهای دیگر، حسن همجواری با همسایگان، همزیستی مسالمت‌آمیز و تحکیم و تقویت همکاری‌های بین‌المللی و گسترش مناسبات دوستانه

انحصارهای نفتی امریکائی در جریان است و چون سابقاً هم انحصارهای نفتی امریکا مکرراً در مسدود کردن امتیازهای نفت برآمده بودند، بجای هواداری مستقیم از فشارهای صنایع نفت در امریکا، فشار دشارد و امتیاز نفت جنوب بدو ملی شود در سی صنایع نفت ملی شود و زاده، با این اعتقاد که با اعلام امتیاز نفت جنوب دیگر برای چاشنی انحصارهای امریکائی باقی نماند و ملی شدن صنایع نفت پس از آن برای همیشه دست دموپریالیسم را از سر رفت ایران کوتاه خواهد نمود. رهبری حزب ما با این نکته توجه نکرد که، فشار ملی شدن صنایع نفت در امریکا، خودمضمین اعلام امتیاز نفت جنوب نیز هست و از سوی دیگر داد و ستد امریکائی غیر انحصاری صنایع نفت، خود بخود موجب جدا شدن حزب ما از دیگر نیروهای ملی و با نتیجه تضعیف مبارزات ضد امپریالیستی است.

پس از آنکه مبارزات خلق و مقامات و دکتر مصدق در برابر امپریالیسم امریکا، جنبه‌های ملی دولت مصدق روشن تر گردید، رهبری حزب ما آن شمار قبلی را ترک کرد و به پشتیبانی بیدریغ از دولت دکتر مصدق پرداخت و در ۳۰ تیر، دیگر نیروهای مردمی با تمام قوا وارد نبرد علیه نظام فاسد بر شد. دولت دکتر مصدق گردید و از آن پس تا آخرین لحظات بطور همه‌جانبه از دولت دکتر مصدق پشتیبانی نمود. با اینکه هر سال ۳۰ تیر متصدین سابق

دکتر مصدق از روی بر تافتند و به جبهه شاه و امپریالیسم پیوسته بودند و ملی‌گرمی دولت دکتر مصدق هیچ گامی در جهت آزاد ساختن فالیته حزب توده ایران بر نداشته بود، میتوان گفت که حزب ما یگانگی نه نیروی مهم سیاسی بود که قاطعه را بسدود هیچگونه چشم‌داشت، از دولت ملی دکتر مصدق پشتیبانی نمود. با وجود همه این احوال، جبهه ملی، بر اساس انگیزه‌های طبقاتی خود و نیز در نتیجه پیشنهادی‌هایی که نسبت به حزب ما داشت، نه تنها هیچگونه گامی در راه اتحاد با حزب توده ایران بر نداشت، بلکه بکس در این دوران دست نگذاشت و چون در ابتدای امر امپریالیسم امریکا از پیشنهاد ملی شدن نفت پشتیبانی نمیکرد، رهبری حزب ما، بدون توجه بر فالیته که میان دموپریالیسم امریکا و انگلیس در مورد نفت ایران وجود داشت، چنین انگاشت که گویا يك توطئه امپریالیستی از جانب

مصاحبه «مردم» با رفیق ایرج اسکندری

بقیه از صفحه ۱

از تقدیم پيشنهاد سه‌ماهه‌ای خود به مجلس، جلب نموده است. بخوبی نشان می‌دهد که مسئله اعمال فشار برای گرفتن امتیاز نفت شمال از جانب اتحاد شوروی نه تنها درست نیست، بلکه این اقدام دولت شوروی در واقع مقابله‌ای با اقدامات امپریالیسم امریکا برای بدست آوردن نفت شمال و تأسیس پایگاهی تحت این پوشش در مجاورت اتحاد شوروی بوده است.

در مورد تظاهرات حزب توده ایران در آن موقع، باید بگویم که حزب توده ایران در آن تظاهرات نیز مانند همیشه در موضع قاطع ضد امپریالیستی و همین بر سر تانده قرار داشت و علیه کابینه ارتجاعی ساعد، علیه مذاکرات محرمانه ساعد با شرکت‌های امریکائی و برای کسرتن مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی مبارزه می‌کرد.

س- جنبش دموکراتیک آذربایجان چرا بوجود آمد؟ نقش آن در آذربایجان و جنبش انقلابی ایران چه بود؟ علت شکست جنبش دموکراتیک آذربایجان چه بود؟

ج- جنبش دموکراتیک آذربایجان جزء جدائی‌ناپذیری از جنبش انقلابی مردم ایران را در سالیهای بعد از سقوط دیکتاتوری رضاخان تشکیل میدهند.

همینا که در مبارزات انقلابی پیشین ایران، بویژه در جریان انقلاب خرد، و جنبش ضد امپریالیستی خیابانی، مردم آذربایجان با قیامهای دلدارانه خود نقش پیشرو را نفا نموده‌اند، بهمان گونه باید جنبش دموکراتیک ساهاهی ۱۳۳۴-۱۳۳۵ آذربایجان را تلاجه انقلاب ایران بشمار آورد.

فرقه دموکرات آذربایجان، چنانکه در برنامه آن‌ها نیز تصریح شده، خواستهای مردم آذربایجان را در چارچوب ایران واحد و تمامیت ارضی آن مطرح ساخته است. بنا بر این مسلم است که تمام تمیز ملی به نسبت انقلابی آذربایجان و فرقه دموکرات آذربایجان، از بنیاد نادرست و افترا آمیز است.

شکستی ما کماکان فکودال، اجهادات مأموران دولتی و زاندارها، فساد طاقت‌فرسای دولت بر توده‌های مردم شهروده، بویژه نسبت به دهقانان آذربایجانی، رواداشتن انواع تبعیضات و تمقیرها نسبت با آذربایجانها و بویژه اعمال استعماری و فرسنگی و ممانعت از آموزش زبان مادری، در نرسه عوامل عمده‌ای است که مردم آذربایجان را وارد ابرقیام علیه دولت مرکزی، برای دستیابی به یک سلسله حقوقه‌ای مشروع دموکراتیک نمود.

فرقه دموکرات آذربایجان با تشکیل بیرون آورد جنبش انقلابی را سازمان داد و آنرا از حالت خودبختی بیرون آورد و خود بصورت سازمان واحد کلیه مردم آزادخواه و ترقیخواه آذربایجان در آمد.

بدیهی است که قوام مردم آذربایجان نمیتوانست در برابر جنبش انقلابی مردم ایران جسور شود. وجود دولت و تساهل منیت نکند. همین سبب نه تنها حزب توده ایران، بلکه سازمانهای دیگر دموکراتیک آن زمان، این جنبش و حقانیت آنرا مورد پشتیبانی و تأیید قرار دادند.

حزب ما وظیفه خود دانست که با تمام نیرو از اقدام آذربایجان، بشما به پایگاه انقلابی برای کل نهضت انقلاب عمومی ایران، پشتیبانی کند. برای کمک به نهضت انقلابی خلق آذربایجان، حزب توده ایران به تشکیلات ایالتی خود، که دهها هزار عضو در آن مشکل بودند، دستور داد که به فرقه دموکرات آذربایجان پیوسته شوند و فعالیت انقلابی خود را تحت رهبری فرقه دموکرات آذربایجان انجام دهند. حزب توده ایران، بنا بوظیفه انقلابی خود، با تمام نیروی که در آن زمان در اختیار داشت، به کمک و پشتیبانی از نهضت آذربایجان پرداخت و از هیچ کوششی، چه در زمینه بسیج توده‌های مردم در سراسر ایران به پشتیبانی از جنبش آذربایجانی و چه در جهت اعمال فشار بدولت مرکزی و نظمه در سطح تبلیغی و پاری‌رسانی به جنبش از لحاظ کلر نظامی و غیر نظامی دریغ ننمود. همین جهت تکره دوم حزب ما، ضمن یکی از قلمنامه‌های خود، این سیاست رهبری حزب را درست و مثبت ارزیابی نموده است.

در مورد پرسش دیگری که راجع به علت شکست جنبش دموکراتیک آذربایجان کرده‌اید، باید بگویم که علت این شکست را باید در قنایب فوادر سمنه جهانی، که در آن موقع بسواد امپریالیسم دولت تاج بود، جستجو کرد. در چنین شرایطی، امپریالیست‌های انگلیسی و امریکائی، که از سرایت جنبش انقلابی مردم آذربایجان ب سراسر ایران وحشت داشتند، نه تنها مانع از آن شدند که مذاکرات با نمایندگان خلق آذربایجان با دولت مرکزی به تقویت حکومت انقلابی بشانجامد، بلکه با دستکاری و تملیخ و نفی و تشدید و تقاضای به آذربایجان و سرکوب آنرا طرح نمودند و متأسفانه موفق شدند.

س- سیاست حزب در مورد دولت دکتر مصدق چه بوده است؟ سیاست او شتاب در جدا بوده است؟ شتاب از جدا نشی شده است؟ شتاب دکتر مصدق وجهه ملی چه بوده است؟ چرا کودتای ۲۸ مرداد پرور شد؟ مسئولیت حزب و مسئولیت دولت دکتر مصدق در این زمینه چیست؟

ج- سیاست حزب در مورد دولت دکتر مصدق دمر حله‌ها را ملی کرده است. مرحله اول از بدو زمامداری ایشان تا حوالی ۳۰ تیر می‌باشد. در این مرحله دوم از ۳۰ تیر تا کودتای ۲۸ مرداد، بلوم چهارم کینه مردم مرکزی حزب توده ایران در باره مردم حزب در این دوره مرحله رسیدگی کامل کرده و رسدی نیز تصویب نموده، که سابقاً انتشار یافته است. بنا بر این سنده، رهبری حزب ما مامیت ملی دولت دکتر مصدق در دست راست ایران نگذاشت و چون در ابتدای امر امپریالیسم امریکا از پیشنهاد ملی شدن نفت پشتیبانی نمیکرد، رهبری حزب ما، بدون توجه بر فالیته که میان دموپریالیسم امریکا و انگلیس در مورد نفت ایران وجود داشت، چنین انگاشت که گویا يك توطئه امپریالیستی از جانب

حزب طبقه کارگر ایران و سفسطه گران

در اکثر رنده پرتوان کوفی نهضت انقلابی در کشور ما، زهدت و کنجکاری نسبت به تاریخ حزب طبقه کارگری در ایران و جنبش کارگری بر خسته‌اند، در زمره اصول مسلم سياست خارجي جمهوری اسلامی ایران بشمار میرود.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، استقلال سیاسی و اقتصادی کشور مارا در برابر رسوخ و نفوذ استیلاگرانه امپریالیسم حفظ میکند، راه را بر ایجاد تیرگی روابط خصوصیت بین ایران و کشورهای دیگر همسایه، که شیوه عمل امپریالیسم برای ایجاد نفاق و از ابراه نفوذ اسارت بخش است، می‌بندد، کشور مارا در صف نیروهای هوادار صلح و امنیت بین‌المللی، جهت خنثی کردن کوششهای جنگ‌افروانه کشورهای امپریالیستی تجاوزگر قرار میدهد و بدینسان صلح و امنیت کشور مارا قوامین میکند، برقراری مناسبات با دیگر کشورهای رهنمای برابری کامل حقوق و نفع متقابل، در عین حفظ منافع و مصالح کشور، شایستگی و حیثیت مارا در میان مبارزه ضد امپریالیستی، ضد استعماری، ضد صیولیستی و ضد تبعیضی نژادی، یعنی اجرای وظیفه انسانی و شریف پشتیبانی از ستمدیدگان در برابر ستمگران، متغیلا کشور مارا از پشتیبانی نیروهای ضد امپریالیستی، نیروهای خواستار آزادی و استقلال و برابری ملل و کشورهای جهان برخوردار میکند.

کشور ما، بدینسان خواهد توانست که هواره نیرومندتر و فعال‌تر در راه ساختن ایرانی مستقل، آزاد و آباد و سر بلند، و جهانی فارغ از ستم و برخوردار از صلح و دوستی خلقها گام بردارد.

نتایج حاصله از اجرای اصول پيشنهادی حزب توده ایران در مورد سياست خارجي، که به آنها اشاره شد، خود دلیل دیگری است بر ضرورت تصریح این اصول در قانون اساسي جمهوری اسلامی ایران.

عناصر مشکوک يك کتابفروشی را در کرمان مورد حمله قرار داده‌اند روزیکه شب عناصر مشکوک به کتابفروشی ارانی رادر آبادان آت‌زد و برکشت. برانی آتس - سوزی تمام کتابفروشی سوخت. تکرار این حوادث خطرناکه و تخریک آمیز در نقاط مختلف ایران خیر از توطئه سازمان یافته‌ای می‌دهد که میباید با قاطعیت آنرا افشاء و سرکوب کرد و با هواداری به پیشگیری از آن پرداخت.

ما ضمن اعتراض شدید به این اعمال ضد دموکراتیک و غیر قانونی از مقامات مسئول میسریم که، چه اقدامی برای جلوگیری از قاطع مقامات مسئول هستیم.

حزب توده ایران، یعنی سازمانی که رهبري هم اچار به فعالیت پنهانی، توده‌های وسیعی از کارگران دهقانان و روشنفکران مرفقی را در همه ایرون خود داشت و قویترین سازمان سیاسی کشور بشمار میرفت، بی‌نبرده بود و با تمام قوا میکوشید، دعوت بر خودرداری از پشتیبانی آن، انگاشت که با حزب توده ایران برهنز نماید و آنرا دور از جریان نگذارد.

زعمانی بود که دشنام کوفی محض و نهمتمزی بی‌بند و بار، احتمالاً ممکن بسود بین عناصر ناآگاه و گمراه خرد ارانی داشته باشد. ولی رنده کیفی نهضت، بی‌انزبش میدان این نوع اسالیب معتدل را نتکتهت میکند و لذا اینک مخالفان از دشنام کوفی خالص به اسلوب سفسطه در آثار بردادند.

بر اساس همین اسلوب، یعنی اسلوب سفسطه در استاد و مهره بازی با فاکت‌ها، از جمله دست با انتشار اسناد اداری حزب طبقه کارگری می‌زنند. در کنار یک سلسله اسناد واقعی و با ارزش، که کتقی ماندگار و با دوام در تاریخ حزب طبقه کارگری ایران است، انواع اسناد دیگر نیز بقصد مفشوقی کردن منظره، وارد گردیده است. یعنی در این کار همان شیوه‌ای که مبلغان امپریالیستی برای سفسطه در تاریخ ما دیکس و کمونیسم بکار میبردند، بکار میروند. مبلغان امپریالیستی برای بیان با سطلات «علمی» و «دیپلماته» تاریخ ما دیکس و کمونیسم، از «کله» اسناد و مدارک، از آثار مارکس و انگلس و لینن گرفته تا نوشته‌های کائوتسکی و ترکتسکی و امثال آنها یکجا استفاده میکنند. عدها کتاب بسویله «مورخانه بورژوا برای قاطی کردن عمده و غیر عمده صحیح و سقیم، فاکت واقعی و فاکت غیر واقعی نوشته شده است. هدف آنست که خواننده گیج شود و هرگز نتواند اینها را در مراحل مختلف رنده آن، باید موافق شرایط عینی و ذهنی و منحصات اجتماعی تمین کند. این پرسش خود وادارانی می‌گردد. میتوان با طرر قنویات دروغین کردن فاکت‌های نمونه‌وار مسربوط به این گرایشها، کسار يك تحلیل علمی (مارکسیستی) جدی و بدوین پیشنهادی است. از خود خلعت نسج تاریخ پوشی است که میدان وسیعی را در اختیار ماسمتالی و مسوولیت‌ها را در خود ساخت.

هیچیک از این دوروش علمی و اصولی نیست. غیر عمده و فاکت‌های غیر نمونه‌وار را در قیافه کند و از آن مغایر با طرر قنویات و نتایج دلخواه بگیرند، تفصیص این سفسطه‌های زبر کانه، گاه دشوار و نیروی گمراه کننده آنها گاه زبر است. بهمین جهت دشمنان مارکسیسم و مخالفان حزب ما، که در این نوع سفسطه‌های دام‌گسترانه تجربه دارند، از بکار بردن این حربه غافل نیستند. مخالفان ما نیز نوشته‌های کسانی را که با هر حزب توده ایران، با پناه نه‌های

اخبار کارگری

کارگران علی‌رغم اراده کارفرما، کارخانه بکار انداختند

تبریز در حدود ۶۰ کارخانه آجریزی دارد، که در شمال غرب (جاده سوبان) و جنوب غرب (جاده سرد رود) قرار گرفته‌اند. کارگران کارخانه‌ها معمولاً سه نوعند، الف - تک کوره‌ای، ب - دو کوره‌ای، پد - سه کوره‌ای، که ظرفیت آنها بترتیب ۲۵۰۰۰ آجر، ۵۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ آجر و ۸۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ آجر در هر ۲۴ ساعت است.

کارفرمایان کارخانه‌ها معمولاً سه نوعند، الف - تک کوره‌ای، ب - دو کوره‌ای، پد - سه کوره‌ای، که ظرفیت آنها بترتیب ۲۵۰۰۰ آجر، ۵۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ آجر و ۸۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ آجر در هر ۲۴ ساعت است.

کارگران کارخانه‌ها معمولاً سه نوعند، الف - تک کوره‌ای، ب - دو کوره‌ای، پد - سه کوره‌ای، که ظرفیت آنها بترتیب ۲۵۰۰۰ آجر، ۵۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ آجر و ۸۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ آجر در هر ۲۴ ساعت است.

کارگران کارخانه‌ها معمولاً سه نوعند، الف - تک کوره‌ای، ب - دو کوره‌ای، پد - سه کوره‌ای، که ظرفیت آنها بترتیب ۲۵۰۰۰ آجر، ۵۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ آجر و ۸۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ آجر در هر ۲۴ ساعت است.

کارگران کارخانه‌ها معمولاً سه نوعند، الف - تک کوره‌ای، ب - دو کوره‌ای، پد - سه کوره‌ای، که ظرفیت آنها بترتیب ۲۵۰۰۰ آجر، ۵۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ آجر و ۸۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ آجر در هر ۲۴ ساعت است.

کارگران کارخانه‌ها معمولاً سه نوعند، الف - تک کوره‌ای، ب - دو کوره‌ای، پد - سه کوره‌ای، که ظرفیت آنها بترتیب ۲۵۰۰۰ آجر، ۵۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ آجر و ۸۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ آجر در هر ۲۴ ساعت است.

کارگران کارخانه‌ها معمولاً سه نوعند، الف - تک کوره‌ای، ب - دو کوره‌ای، پد - سه کوره‌ای، که ظرفیت آنها بترتیب ۲۵۰۰۰ آجر، ۵۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ آجر و ۸۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ آجر در هر ۲۴ ساعت است.

کارگران کارخانه‌ها معمولاً سه نوعند، الف - تک کوره‌ای، ب - دو کوره‌ای، پد - سه کوره‌ای، که ظرفیت آنها بترتیب ۲۵۰۰۰ آجر، ۵۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ آجر و ۸۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ آجر در هر ۲۴ ساعت است.

کارگران کارخانه‌ها معمولاً سه نوعند، الف - تک کوره‌ای، ب - دو کوره‌ای، پد - سه کوره‌ای، که ظرفیت آنها بترتیب ۲۵۰۰۰ آجر، ۵۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ آجر و ۸۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ آجر در هر ۲۴ ساعت است.

کارگران کارخانه‌ها معمولاً سه نوعند، الف - تک کوره‌ای، ب - دو کوره‌ای، پد - سه کوره‌ای، که ظرفیت آنها بترتیب ۲۵۰۰۰ آجر، ۵۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ آجر و ۸۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ آجر در هر ۲۴ ساعت است.

کارگران کارخانه‌ها معمولاً سه نوعند، الف - تک کوره‌ای، ب - دو کوره‌ای، پد - سه کوره‌ای، که ظرفیت آنها بترتیب ۲۵۰۰۰ آجر، ۵۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ آجر و ۸۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ آجر در هر ۲۴ ساعت است.

پند رستم

زین درد من چگونه توانم سخن نگفت؟
این زخم را چگونه توانم بدل نهفت؟
سهراب من
به کینه چنین با پدر مباحث!
بر بازوان تفته و بی تاب خودبین
مهر نشان من!
ماهر دو از سلاله‌ی زالم و ولیرم
یک روح
یک تنیم.
من رخسار را چگونه بتازم بسوی تو؟
تو

تیرا
چگونه رهائی بسوی من؟
دستان ما بخون هم آلوده چون شود!!
... این درد می خورد تن و جان من ای پسر
آنجا که قلب مادر ایران مشوش است،
و افراسیاب
در پی آشوب و آتش است،
بنگر تودر کدام صف و
سوی جبهه‌ی؟!
بزرگ آذر مهر

رفیق تقی کی منش عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران از جانب مردم در جشن سالیانه روزنامه اوتست، ارگمان حزب کمونیست آلمان شرکت کرد.



رفیق تقی کی منش (وسط) در گفتگوی دوستانه با رفیق هرمن گوته، معاون صدر حزب کمونیست آلمان (چپ) و رفیق مارتابوشمن عضو هیئت رئیسه حزب کمونیست آلمان (راست)

جشن سالیانه روزنامه «اوتست»، ارگان حزب کمونیست آلمان از ۲۲ تا ۲۴ ژوئن ۱۹۷۹ (اول تا سوم تیرماه ۱۳۵۸) باشکوه تمام در شهر وین برگزار شد. دهها هزار نفر از زحمتکشان آلمان فدرال، همراه با هیئت‌های نمایندگی روزنامه‌های ارگان احزاب برادر و مطبوعات دموکراتیک، این جشن را بظاهری از همبستگی زحمتکشان در مبارزه باخطر صلح، دموکراسی و زندگی بهتر مبدل ساختند.

رفیق تقی کی منش، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران، در جشن «اوتست» شرکت کرد. وی که پس از ۲۵ سال اسارت در زندان محمد رضا شاهی برای نخستین بار بخارج سفر کرده است، در سخنان و گفتگوها و از جمله در مصاحبه‌ای با روزنامه «اوتست»، ضمن سپاسگزاری از همبستگی حزب کمونیست آلمان با حزب توده ایران و مردم و زحمتکشان ایران و پشتیبانی از انقلاب ایران، اوضاع سیاسی کنونی ایران و مبارزه مردم ایران در راه حفظ و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران را تشریح کرد. رفیق کی منش بویژه در براسه بحث روز، یعنی پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، توضیحات کافی داد. وی ضمن تأکید این نکته که پیش‌نویس قانون اساسی بطور کلی مثبت و امیدبخش است، اصلاحات مورد پیشنهاد حزب توده ایران را درباره پیش‌نویس قانون اساسی متذکر شد.

در جشن «اوتست»، «مردم»، مانند همیشه، نمونه خاصی داشت که در آن نشریات حزب توده ایران بزبان فارسی در اختیار ایرانیان و نشریات حزب توده ایران بزبان آلمانی در اختیار شرکت کنندگان آلمانی جشن قرار می‌گرفت. نمونه «مردم»، که با عکسها و طرح‌هایی درباره زندگی مبارزه مردم ایران در پرتو انقلاب پیروز مردم ایران - تزئین شده بود، امسال، در نخستین بهار آزادی مردم ایران، بویژه مورد استقبال گرم شرکت کنندگان در جشن قرار گرفت.

علیرغم

منافع

حسن

همجواری

زیر این عنوان، خیرگزاری مطبوعاتی شوروی «نووستی»، یادداشت مفسر خبرگزاری ناس، گوردوف را منتشر ساخته است. آنجا که براسی هم اقدامات بسیار گوناگون و خطرناکی بزبان مصالح مبین ما و بسزیا منافع حسن همجواری بین ایران و شوروی انجام می‌گیرد، «مردم» این نوشته را عیناً باطالع خوانندگان خود می‌رساند.

طبق اطلاع خبرگزاری امریکایی آسوشیتدپرس، آقای طباطبائی معاون وزارت کشور ایران، در یک مصاحبه تلویزیونی اظهار داشت که گویا اتحاد شوروی در استان بلوچستان هرج و مرج ایجاد میکند.

تا کنون اینگونه شایعات بطور کلی از طرف عمال‌شاه مخلوع و کسانی پخش میشد که با سرویس‌های مخصوص امپریالیستی همکاری می‌کردند. همه اینها برای رهبری کنونی ایران خوب روشن است و نمایندگان رسمی آن بارها اعلام داشته‌اند که برای مداخله مستقیم یا غیر مستقیم اتحاد شوروی در حوادث ایران هیچ دلیل و شاهدی وجود ندارد. در عمل شواهد و حقایق بکلی دیگری وجود دارد که صریح و بی‌پرده نشان میدهند که اتحاد شوروی از همان آغاز نسبت بانقلاب ایران، با تفاهم و علاقه برخورد نمود و با اهدافی که نهضت مردم برای نیل بهرستاقون ایران بر مبنای ملی در مقابل قرار داده، همبستگی داشت. همچنین این حقایق و شواهد بنحوی بسیار و گسترده نشان میدهند که اتحاد شوروی مایل و آماده است که مناسبات دوستی و حسن همجواری با ایران را بنهضم واقعی کلمه حفظ کند و آنرا گسترش دهد.

در گذشته سیاست ما در مورد حسن همجواری، خوشایند بعضی‌ها در خود ایران و در خارج از آن نبود. رژیم‌شاه و ایالات متحده امریکا، ایران را به پایکامی علیه اتحاد شوروی و زدن آنرا در منطقه در خاور میانه مبدل کردند. انقلاب ایران، کشور را از این نقش تخریب‌آمیز نسوگر سیاست امپریالیستی نجات داد. و این نیز، بهیچوجه خوشایند همه نیست. بعضی‌ها با صحبت‌هایی در باره «مداخله شوروی» بیمیل نیستند که برهبران فعلی ایران بقبول‌اند که گسترش با گذشته، از روی تامل و بهسرت نبود و بجاست که بهر امون اسعاده تدریجی و با لاقول جزئی سیاست سابق فکر و تعمق شود.

البته دانستن این نکته بسیار مهم است و ما بارها این را شنیدیم که رهبران انقلاب ایران با اظهاراتی از نوع حملات ضد شوروی طباطبائی موافق نیستند. ولی از کنار این قبیل اظهارات، که هدفش تیره ساختن مناسبات بین دو کشور است، نمیتوان گذشت.

سرم پاشی علیه کمونیست‌ها بسود انقلاب ایران نیست

ودشمن ملت ایران قلمداد نماید. تهرانی با وقاحتی که تنها از یک جلااد آریامهری ساخته است، از ۶۰۰ صفحه دفاعیات خود، در دادگاه عمدتاً مطالبی را خواند که علیه نوده‌ای‌ها، چریک‌های فدائی و مجاهدین خلق بود. او بی آنکه از صداها مبارز تهرمان، از تیزاب‌ها، پویان‌ها و صادق‌ها... نامی ببرد، در کسوت «دادستان»، با رذیله‌ترین شکلی به حزب توده ایران، سازمان چریک‌های فدائی خلق و سازمان مجاهدین خلق ایران، یعنی نیروهای که، هر یک بشیوه خود، با رژیم آریامهری نبرد کرده بودند، مستقیم و غیرمستقیم حمله کرد.

آنچه جلااد ساواک گفت، از دزخیمی که در دامان رژیم سرپا با عقوبت آریامهری پرورده شده، بعید نبود. اما آنچه سبب شکفتی شد، استفاده محافظ‌مندی، از توطئه ضد کمونیستی جلااد ساواک بود. برای مردم این سوال مطرح شد که، چرا در دادگاه انقلاب، که کارآمدترین و خلقی‌ترین ارگمان برآمده از انقلاب خونین ایران است و با تیرباران این دو جانی بسرایان واقمیت تأکید کرده بین مبارزان منتهی و غیرمنتهی مرزی نیست و جلااد آنها، جلااد خلقی ایران است، آری چرا جلااد کمونیست‌ها اجازه پیدا میکند که ساعات متوالی علیه مبارزترین فرزندان خلق یاوه سرائی کند، اما شاهدان، یعنی کمونیست‌هایی که توسط این جلااد شکنجه شده‌اند، اجازه حرف زدن پیدا نمی‌کنند؛ و مهمتر از این، چرا به جلااد ساواک اجازه داده میشود که وقتی به اتهام دهها سال خیانت به خلق ایران محاکمه میشود، به کسوت «دادستان» درآید و علیه کمونیست‌ها اعلام جرم کند؟

ظن استفاده محافظ‌خاصی از دادگاه تهرانی علیه کمونیست‌ها، وقتی قوی تر میشود که تلویزیون، ساعات متوالی، در چند شب پیاپی، در اختیار جلااد ساواک گذاشته میشود، تا با واهای خود را بکوش مردم برساند. این درست است که بخشی از اعتراضات جلااد ساواک در افزایش روابط ساواک با سازمان‌های جاسوسی آمریکا، اسرائیل و آلمان غربی و چگونگی تعقیب، شکنجه و اعدام مبارزان، ماهیت رژیم شاه را بیشتر و بیشتر روشن کرد، اما اینرا هم نباید از یاد برد که شیوه موزیانه اعتراف کردن تهرانی با آن هدف خاص، یعنی سرم‌پاشی علیه کمونیست‌ها در شرایط امروز ایران، تنها و تنها بسود امپریالیسم است.

ما که در مقالات قبلی، در رابطه با اطلاعات درستی که در اعتراضات تهرانی بود، نظرات خود را نوشتیم، به صراحت اعلام می‌کنیم که، استفاده از چنین شیوه‌هایی توسط محافظ‌خاصی که میکوشند علیه کمونیست‌ها سرم‌پاشی کنند، بسود انقلاب ایران نیست.

شماره جدید حساب بانکی «مردم»

علاوه بر حساب بانکی به نام تقی کی منش و به شماره ۳۳۳۲، شعبه ۳۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران نوین سابق)، رفقا و دوستان گرامی می‌توانند به حساب بانکی شماره ۱۱۸۸، شعبه ۲۱۱۰ بانک صادرات نیز کمک مالی خود را ارسال دارند.

«مردم» - پسرش ما هم اینست که، چر از انتشار مجله «یولداش» جلوگیری میشود؛ مشغول این عمل، که نقض آزادی مطبوعات است، کمیتس! امیدواریم که یولداش هر چه زودتر با انتشار خود ادامه دهد.

چرا از انتشار «یولداش» جلوگیری میشود؟

نامه زیرین از جانب مجله «یولداش» به «مردم» رسیده است؛ بسمه تعالی دادستانی محترم دادسرای انقلاب اسلامی ایران محترماً در تاریخ شنبه ۳ خردادماه جاری در ساعت ۳ بعد از ظهر چند مرد مسلح با حکم کتبی واحد اجرائی کمیته مرکزی زندان قمر به چاپخانه «چاپ خدمات» مراجعه و ضمن تسکیر شدید، از صحافی و پخش مجله آذربایجانی «یولداش» اورگان فرهنگی آزادیخواهان آذربایجان جلوگیری کردند. ضمن مراجعه تلفنی به کمیته‌ی، مزبور معلوم شد که از کمیته‌ی مجلس دستور جلوگیری از نشر مجله داده شده است. در مذاکره‌ی تلفنی با معاون

دادستان انقلاب اسلامی ایشان از حکم مزبور اظهار بسی‌اطلاعی کردند. با توجه بهسین انقلابی و سوابق مبارزاتی فرقه‌ی آزادیخواهان آذربایجان و با در نظر گرفتن اینکه در شماره‌ی اخیر مجله‌ی مزبور اسامی ۷۳ نفر از اعضای فعال ساواک در آذربایجان و سر سبردگان رژیم مغفور شهنشاهی چاپ و افشا شده بود، این نزدیکی به وجود می‌آید که ساواک کمافی‌السابق در خفقان نقشی داشته و از انتشار این مجله‌ی آذربایجانی متضرر می‌شده و از نشر و پخش آن بدین صورت جلوگیری نموده است. خواهشمند است دستور رسیدگی کنید تا علت عمل کمیته روشن شود.

برقرار باد اتحاد همه‌تیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق